

با سلام

صبر و شکر:

هر که ماند از کاهلی بی شکر و صبر
او همین داند که گیرد پای جبر
(مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۱۰۶۸)

در بینش مولانا، شکر و صبر یک رفتار فعالانه و یک عمل همراه با تلاش است. زیرا اگر انسان در اتفاقات و وضعیت‌های زندگی شکرگزار نباشد، پس کاهل (تنبل) و غیرفعال است. پس شکر، آسوده نشستن و برای داشته‌هایی که من‌ذهنی نشان می‌دهد تشکر و قدردانی کردن، نیست؛ بلکه با شمع روی او (فضاگشایی لحظه‌به‌لحظه) شکر به واسطه زندگی در ما جاری می‌شود. که یکی از نشانه‌های این حالت، داشتن «پرهیز» است، که مثلث شکر_پرهیز و شکر_صبر با مرکز عدم آن را نشان می‌دهد. و همین طور «صبر» به معنی انجام ندادن و کاری نکردن با من‌ذهنی است که نیازمند «پرهیز» لحظه‌به‌لحظه است.

این دو ره آمد در روش، یا صبر یا شکر نغم
بی شمع روی تو نتان دیدن مر این دو راه را
(مولوی، دیوان شمس، غزل ۲۱)
-نعمت‌ها
-نتان: نتوان

پس صبر و شکر دو روی یک سکه‌اند که با فضاگشایی در روش زندگی و رفتار ما جلوه می‌کنند. کاهلی من‌ذهنی، شکر شاکران را درک نمی‌کند، یعنی هشیاری جسمی صبر و شکر زندگی را نمی‌فهمد. چون صبر و شکر زندگی فهمیدنی نیست، بلکه روشی است که انسان تسلیم‌شده آن را در خود درک و دریافت می‌کند و در زندگی‌اش جاری می‌سازد. شکر و صبر و پرهیز آن چیزی نیست که در باورهای دینی همانیده شده، یاد گرفتیم، بلکه یک روش و رفتار فعالانه است که حاصل فضاگشایی پی‌درپی است. خداوند هر لحظه ما را با وضعیت‌های جدیدی روبرو می‌کند، هر لحظه در کار جدید است و همه چیز در حیطه اختیار اوست.

كُلُّ أَصْبَاحٍ لَنَا شَانٌ جَدِيدٍ
كُلُّ شَيْءٍ عَنِ مَرَادِي لَا يَحِيدُ
(مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۱۶۴۰)

معنی بیت: در هر بامداد کاری تازه داریم و هیچ کاری از حیطه مشیئت من خارج نمی‌شود.
در هر کار تازه‌ای، در هر وضعیتی که برایمان پیش می‌آید، با فضاگشایی تقدیر خداوند را ببینیم. مسبب اوست، پس باید روش ما شکر و صبر باشد، نه حال خوش و حال ناخوش یا بد، چرا که در این حالت‌ها من‌ذهنی خود را پرورش می‌دهیم، بی‌ضرورت همانیده شده و مجرم می‌شویم.

گفت: مُفْتَىٰ ضَرُورَتِ هِمَّ تَوْبِي
بی‌ضرورت گر خوری، مجرم شوی
(مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۵۳۰)

مجرم شدن یعنی مانع‌سازی، مسئله‌سازی و دشمن‌سازی با من‌ذهنی. مولانا به سادگی راه را به ما نشان داده است:

این دو ره آمد در روش، یا صبر یا شکر نغم
بی شمع روی تو نتان دیدن مر این دو راه را
(مولوی، دیوان شمس، غزل ۲۱)
-نعمت‌ها
-نتان: نتوان

با افسانه من‌ذهنی زندگی خود را تباه نکنیم، درد نکشیم، بلکه با شادمانی زندگی هر لحظه به «حضور» نزدیک شویم.

بی‌نهایت حضرت است این بارگاه
صدر را بگذار، صدرِ توست راه

(مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۱۹۶۱)

باتشکر فراوان از زحمات آقای شهبازی و یاران گنج حضور
نوشین از تهران